

سرزمین آریان

دکتر بصیر کامجو

اندیشه های مطرح شده در این تارنما ، الزاما دیدگاه سرزمین آریان نیست .



https://azadieiran2.files.wordpress.com/2015/06/nameh-haee-baraye-mohamad-payambar_a-ghazaeiwww-azadieiran2-wordpress-com.pdf

امین قضایی، فعال و نظریه پرداز مارکسیست، مترجم و منتقد هنری و از اعضای سابق تشکل «داب» (دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب) می باشد. **بیشتر بخوانید**)
امین قضایی با اتخاذ رویکردی تجدیدنظرطلبانه نسبت به منابع اسلامی در تفسیر قرآن، فرضیه‌ای را درباره چگونگی شکل‌گیری قرآن مطرح می‌کند. مطابق این فرضیه، اگر تنها آیات مکی را مد نظر قرار دهیم، قرآنی که در دست داریم در واقع مجموعه‌ای از نامه‌هاست که توسط یک فرقه یهودی-مسیحی به مسیسونر مذهبی خود یعنی محمد ارسال شده است. بنابراین آنچه مسلمانان بعدا بنا به فرض در دوره خلیفه عثمان، تحت یک کتاب گردآوری کردند شامل آیات مکی یعنی مجموعه‌ای از این نامه‌ها به علاوه احکام و دستوراتی است که محمد در مدینه برای مسلمانان صادر کرد که ما امروز آنرا به عنوان آیات مدنی می‌شناسیم.

نویسنده هم این جزم مسلمانان که قرآن توسط یک فرشته بر محمد نازل شده است را رد می‌کند و هم نظریات سکولاری را که معتقدند قرآن کلام خود محمد یا گفته‌های فرد حکیمی است که پنهانی در مکه به محمد آموزش می‌داده است. قضایی برای تقویت این فرضیه، استدلال می‌کند که متن نمی‌تواند از یک مکالمه حاصل شده بلکه بیشتر به نظر می‌رسد که حاصل یک مکاتبه است. وی با بررسی آیات بسیاری به عنوان مثال، نشان می‌دهد که احتمال اینکه متن مجموعه‌ای از نامه‌ها باشد بیشتر از هر فرضیه دیگری است.

جالب توجه است که این فرضیه ضرورتا با این تصور که محمد واقعا به الهی بودن پیام خود باور داشت، در تضاد قرار ندارد. مطابق این فرضیه، محمد واقعا تصور می‌کرد که کلام خدا را موعظه می‌کند، اما نه به این خاطر که تصور می‌کرد که مستقیما به وی وحی می‌شود. وی به الهی

بودن پیام خود باور داشت زیرا سکت مذکور به وی اطمینان می‌داد که آنها بخش‌هایی از کتب مقدس را برای وی فرستاده‌اند. از اینرو، محمد از این نظر یک شیاد نبود، بلکه یک میسیونر مذهبی بود و متقاعد شده بود که کلامی که برای وی ارسال می‌شود همانا کلام خداوند قادر متعال است. بنابراین، فرقه مذکور همراه با نامه‌ها (یعنی همان آیات مکی که ما در دست داریم)، بخش‌هایی از کتب مقدس خویش را به تدریج برای محمد و جهت موعظه ارسال می‌کردند. این فرضیه ما را به یک نتیجه شگفت‌انگیز می‌رساند: آنچه محمد واقعا در مکه موعظه می‌کرد، دقیقا و کلمه به کلمه همین آیات کتابی که به عنوان قرآن می‌شناسیم، نبود. در واقع، وی قطعاتی از کتبی که به نامه‌ها ملحق شده بود را موعظه می‌کرد. به عبارت دیگر، وقتی ما در متن به کلماتی مانند «کتاب»، «قرآن»، یا «ذکر» برمی‌خوریم، منظور همین متن آیات نیست بلکه این کلمات در اغلب موارد به چیزی خارج از خود متن اشاره دارند، یعنی متونی که همراه با نامه‌ها ارسال شده‌اند و ما اکنون آنها را در دست نداریم. پس در مکه، محمد صرفا یک میسیونر مذهبی بود و نه بیشتر. تنها بعد از هجرت به مدینه بود که وی در نقش یک رهبر مذهبی مجبور شد تا فرامینی صادر کند و ادعا کند که آنها را مستقیما از سوی خدا دریافت کرده است.

اما این فرقه اسرارآمیز چه کسانی بودند؟ در کجا ساکن بودند؟ و عقاید مذهبی ایشان که انعکاس آنرا در اسلام امروزی می‌بینیم، چه بود؟ اینها سئوالاتی هستند که در ادامه این کتاب مورد بررسی قرار می‌گیرند.

